

روایت حسنتاش از به بازی گرفته شدن برنامه‌ها در دولت‌های نهم و دهم

با انگیزه‌های پوپولیستی خط انتقال گاز و برق نبریم

میا مدین نفتی که زبان و نماینده هم ندارند اولین قربانی کمبود گاز بوده‌اند



میا مدین، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

شرق: چیزی به آغاز اجلاس سران کشورهای دارنده گاز (جمع GECC) نمانده و دور سوم آن نیز نپاست با حضور پوتین، که خود از بزرگ‌ترین کشورهای دارنده گاز محسوب می‌شود، برگزار شود؛ اجلاسی که از آن با عنوان اوپک گازی یاد می‌شود، اما غلامحسین حسنتاش، عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی با اشاره به اینکه در دوره دولت‌های نهم و دهم همه‌چیز به بازی گرفته شد، می‌گوید: «با به‌وجود آوردن مجمع صادرکنندگان گاز (GECC) عملاً دست دورقیب‌مان- که یکی در صادرات از طریق خط لوله بافعل رقیب ماست و دیگری در صادرات «ال‌ان‌جی» رقیب بالقوه ماست- را در دست هم قرار دادیم و خودمان استفاده‌ای نکردیم». البته او یادآوری می‌کند که دولت یازدهم فعال شده است تا از این بستر استفاده کند و من امیدوارم بتوانیم در این مجمع، منافع خودمان را تعقیب کنیم. او در این مصاحبه که به دلیل مشغله کاری زیاد به صورت کتبی انجام شد، سعی کرد به سؤالات پاسخ کاملی دهد. هرچند که برخی از سؤالات به دلیل وقت اندک همچنان بی‌پاسخ ماند.

دست‌ری با آب‌های آزاد، استعداد هر دو یعنی صادرات از خط لوله و ال‌ان‌جی را داریم اما باید بررسی و مطالعه کنیم که کدام انتخاب یا انتخاب‌ها بهتر است. بله، درحال حاضر ما سهمی در تجارت ال‌ان‌جی نداریم. حرف من استعداد بالقوه بود که باید پس از مطالعه و بررسی اگر اقتصادی هم بود به فعلیت درآید؛ ثانیا؛ در دوره دولت نهم و دهم که همه‌چیز به بازی گرفته شد، من حرفم این بود که ما با به‌وجودآوردن مجمع صادرکنندگان گاز (GECC) عملاً دست دورقیبمان (که یکی در صادرات از طریق خط لوله بافعل رقیب ما است و دیگری در صادرات ال‌ان‌جی رقیب بالقوه ماست) را در دست هم قرار دادیم و خودمان استفاده‌ای نکردیم. البته دولت یازدهم فعال شده است که از این بستر استفاده کند و من امیدوارم ما بتوانیم در این مجمع منافع خودمان را تعقیب کنیم.

❧ **چنانکه می‌دانیم، یکی از عرصه‌های حضور بلندمدت و پایدار در بازار گاز، توسل به فناوری‌های نوین (مانند ال‌ان‌جی، جی‌تی‌ال، ال‌پی‌جی... و امثال آن) است. در چندساله اخیر با توجه به رصد تحولات، کشورمان چه چشم‌اندازی برای توسعه این شکل از حضور داشته است؟ این در حالی است که در این چند سال خبرهای چندانی از توسعه این زمینه از صنعت گاز نداشته‌ایم؟ به نظر شما حضور در این زمینه‌ها تا چه حد حالت الزام پیدا کرده است؟**

هرکدام از اینها که گفتید داستان متفاوتی دارد که من مجبورم به اجمال به آنها بپردازم. توسعه ال‌ان‌جی همان‌طور که اشاره کردم بستگی به مطالعات ما درباره آینده بازار جهانی گاز و انتخاب استراتژی بهینه صادراتی دارد. البته تردیدی ندارم که کشوری مانند ما با وسعت ذخایر گازی حتما باید در فناوری آن وارد شود. ضمن اینکه واحدهای کوچک‌مقیاس ال‌ان‌جی کارکردهای دیگری دارند، مثلا برای یک روستای دورافتاده که هزینه خط انتقال بسیار بالاست، ممکن است گاز طبیعی مایع‌سازی شود و به‌صورت ال‌ان‌جی منتقل شود یا اخیرا در آمریکا و چین برای سوخت خودروهای بسیار سنگین از ال‌ان‌جی استفاده می‌کنند. ما در این زمینه‌ها کم کار کرده‌ایم. در مورد جی‌تی‌ال که اصطلاحی است برای تبدیل گاز به فرآورده‌های نفتی، باید بگویم این فناوری بیش از ۹۰ سال سابقه دارد، ولی بررسی‌های من نشان می‌دهد هنوز از نظر بازدهی فرایند و هزینه یا قیمت تمام‌شده فرآورده‌های تولیدی، دچار مشکل است و اگر این مشکلات حل نشود تحول شگرفی در بازارهای نفت و گاز ایجاد خواهد کرد. بنابراین تعقیب تحولات

نفت و پیگیری فناوری‌های آن برای ما که منابع سرشار گازی داریم فقط یک جنبه مهم است، اما نمی‌توان قضاوت کرد که سرمایه‌گذاری بر واحدهای صنعتی بزرگ مقیاس آن، اقتصادی باشد. معمولا آنها که در ایران دنبال این‌کار بوده‌اند نیز می‌گویند گاز را به ما مفت بدهید که طرحان اقتصادی شود! اما در سطح فناوری و در مسیر آن تحولی که اشاره کردم و با یک ابداع جدید می‌تواند رخ دهد، حتما باید فعال باشیم. کمتر شرکت معتبر نفتی در دنیا وجود دارد که یک واحد کوچک تحقیقاتی جی‌تی‌ال نداشته باشد. ولی ما کمتر کار کرده‌ایم اگر هم کار کرده‌ایم، استمرار نداشته است. در کل برای کشور ما همه فناوری‌های گازی مهم است و باید روی آنها تحقیقات بشود.

ال‌پی‌جی ترکیبی از بوتان و پروپان است که هم در استخراج از میادین گازی به‌عنوان یک فرآورده جنبی تولید می‌شود و هم در پالایشگاه‌های نفتی، بنابراین چه در ایران و چه در جهان تولید آن روبه افزایش است در صورتی‌که مصرف آن به سرعت روبه کاهش است، چراکه قیلا مصرف آن عمدا در پخت‌وپز بوده که با گازرسانی‌ها جایگزین شده و می‌شود. به همین دلیل با فرونی عرضه بر تقاضا، قیمت جهانی آن دائم در حال کاهش است درحالی‌که تا چند سال پیش قیمت آن بسیار نزدیک بنزین بود، اما حالا حدود ۲۰۰ دلار در تن پایین‌تر از بنزین است. بنابراین ما حتما باید برای گاز مایع برنامه داشته و بررسی‌های من نشان می‌دهد یکی از بهترین راهکارهای آن، گسترش آن به‌عنوان سوخت

دست‌ری با آب‌های آزاد، استعداد هر دو یعنی صادرات از خط لوله و ال‌ان‌جی را داریم اما باید بررسی و مطالعه کنیم که کدام انتخاب یا انتخاب‌ها بهتر است. بله، درحال حاضر ما سهمی در تجارت ال‌ان‌جی نداریم. حرف من استعداد بالقوه بود که باید پس از مطالعه و بررسی اگر اقتصادی هم بود به فعلیت درآید؛ ثانیا؛ در دوره دولت نهم و دهم که همه‌چیز به بازی گرفته شد، من حرفم این بود که ما با به‌وجودآوردن مجمع صادرکنندگان گاز (GECC) عملاً دست دورقیبمان (که یکی در صادرات از طریق خط لوله بافعل رقیب ما است و دیگری در صادرات ال‌ان‌جی رقیب بالقوه ماست) را در دست هم قرار دادیم و خودمان استفاده‌ای نکردیم. البته دولت یازدهم فعال شده است که از این بستر استفاده کند و من امیدوارم ما بتوانیم در این مجمع منافع خودمان را تعقیب کنیم.

❧ **یکی از مباحث مهم در محافل انرژی این است که آیا کشور با دراختیارداشتن حجم بالایی از ذخایر نفتی دنیا یا حتی داشتن سمت دبیر کل در مجمع جهانی کشورهای صادرکننده گاز، می‌تواند تأثیر مهمی در سطح بازارهای جهانی داشته باشد؟ چه شرایطی باید تجمع شود تا چنین تأثیری اجرایی شود؟**

می‌خواهم این سؤال را قدری به چالش بکشم. اولاً آیا کشورهایی مثل آلمان و چین یا کره‌جنوبی که تأثیر مهمی در بازارهای جهانی کالاها و تجهیزات و خدمات دارند موفق‌تر هستند یا کشورهایی مثل روسیه و عربستان که به‌ظاهر تأثیر مهمی در بازارهای انرژی جهان دارند؟ به‌نظر من قطعاً اولی‌ها؛ به اعتقاد من این سؤال در پارادایم فکری موجود حاکم بر اقتصاد کشور مطرح می‌شود و ما اگر به‌دنبال پارادایم توسعه بودیم شاید ترجیح می‌دادیم که همه منابع انرژی‌مان را صرف توسعه صنعت و تولید ملی کنیم و در همه بازارها تأثیرگذار باشیم و نه یک کالای خاص که آن هم ماده اولیه خدادادی است و نه حاصل تولید ملی؛ ثانیا امروزه با متنوع‌شدن منابع انرژی و خصوصا امکان‌پذیرشدن توسعه منابع به‌اصطلاح نامتعارف هیدروکربنی، این امتیاز را دارد به سرعت از همان روسیه و عربستان هم گرفته می‌شود. متأسفانه بعضی‌ها دانسته یا ندانسته با بیش‌ازحد مهم‌کردن تأثیرگذاری بر بازارهای جهانی نفت و گاز می‌خواهند کماکان اقتصاد ایران را وابسته به صادرات آن نگه دارند و تا این هست همین آتش است و همین کاسه.

تازه اگر هم بخواهیم در جهان انرژی، هم حرف داشته باشیم راهش فقط بیشتر تولیدکردن نفت و گاز نیست، ما باید مصرف داخلی نفت و گازمان را بهینه کنیم و منابع بیشتری را برای صادرات آزاد کنیم و از سایر منابع انرژی‌مان هم استفاده کنیم و مثلا در جایی که با هزینه‌ای بسیار کمتر می‌توان از انرژی‌های بادی و خورشیدی و بومی استفاده کرد با انگیزه‌های پوپولیستی خط انتقال گاز و برق نبریم.

❧ **مجموعه اعضای مجمع GECC چیزی حدود ۷۰ درصد از ذخایر جهانی گاز طبیعی و قریب به ۴۰ درصد از تجارت گاز از طریق خط لوله و ۸۵ درصد از تولید جهانی گاز طبیعی مایع شده (LNG) را اداره می‌کنند. ازسوی دیگر در آمارهای مجمع شاهد هستیم که کشورمان سهمی در trade movement بال‌ال‌ان‌جی ندارد. شما چند وقت قبل در جایی گفته بودید که ایران با توسل به مجموع موقعیت‌های خود، پتانسیل‌هایی در حوزه خط لوله و ال‌ان‌جی دارد. شما استدلال کرده بودید که قطر رقیب ایران در تجارت ال‌ان‌جی است و روسیه رقیب ایران در تجارت از طریق خط لوله است که البته هر دو در مجمع حضور دارند. اکنون با توجه به مجموع شرایط، آیا هنوز بر همین استدلال خود باقی مانده‌اید؟ ضمن اینکه بفرمایید در استدلال شما مقوله ترانزیت و سوآپ گاز چه نقشی دارد؟**

اولا، خیلی روشن است که ما به دلیل وسعت کشور و ارتباط (تنها با یک واسطه) با اتحادیه اروپا و درعین‌حال

خبر

سومین اجلاس GECC می‌تواند سکوی پرتابی برای صنعت گاز باشد

❧ ایستا؛ مدیرکل امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت با تأکید بر اینکه سومین اجلاس مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECC)، می‌تواند سکوی پرتابی برای صنعت گاز کشور باشد، ابراز امیدواری کرد که در نتیجه این اجلاس بتوان صنعت گاز را بیش از پیش در سطح بین‌المللی توسعه و گسترش داد.

مهدی عسلی با اشاره به اهمیت اجلاس دوم آذر مجمع کشورهای صادرکننده گاز بیان کرد: یکی از نشانه‌های اهمیت این اجلاس آن است که در این اجلاس آمادگی کشورهای عضو مجمع برای همکاری‌های بین‌المللی برای کمک به حل معضل امنیت انرژی و نیز تغییرات اقلیمی در دنیا اعلام می‌شود.

وی افزود: همچنین استقبال جمهوری اسلامی ایران از گسترش همکاری‌های فنی و اقتصادی بین کشورهای عضو مجمع برای توسعه ظرفیت‌های تولید و تجارت گاز طبیعی برای آینده صنعت گاز ایران و منطقه و حتی جهان اهمیت دارد. برگزاری این اجلاس نشان می‌دهد که ایران باوجود همه تحریم‌ها و کارشکنی‌های بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ، توانسته است بنیان‌گذار این مجمع مهم کشورهای صادرکننده گاز باشد و به‌تدریج وزن و تأثیرگذاری آن را در بازار جهانی گاز افزایش دهد.

مدیرکل امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت همچنین با تأکید بر اینکه در این دوره از اجلاس، سران و مقامات عالی‌رتبه کشورهای مختلف شرکت می‌کنند، بیان کرد: با توجه به توافق‌های بین‌المللی برای لغو تحریم‌ها علیه ایران، نشان می‌دهد که کشورهای مختلف پیش‌بینی می‌کنند فعالیت‌های اقتصادی به‌خصوص در بخش نفت و گاز در ایران بعد از لغو کامل تحریم‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود و قطعاً لغو تحریم‌ها باعث بازشدن فضا برای توسعه حوزه انرژی می‌شود. وی با تأکید بر اینکه افزایش تولیدات و تجارت در صنعت گاز منجر به درآمدزایی می‌شود، گفت: افزایش تولیدات و تجارت در صنعت گاز منجر به درآمدزایی برای کشور می‌شود که این امر کمک می‌کند که سرمایه بیشتری وارد صنعت گاز کشور شود.



نگاهی نو، خلاقیتی نو، خدماتی نوین

رستوران لئون شعبه نیاوران

خیابان دکتر باهنر(نیاوران)، بعد از مژده، پلاک ۴۰۶

تلفن: ۰۰۴۴۷۲۷۲

www.leon1960.com

hignoughplus.com

یادداشت

برنامه ششم و ضرورت گسترش و تعمیق بازار انرژی

علی خواجوی

کارشناس ارشد معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت

❧ از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان، مشکلات و چالش‌های متعددی در عرصه انرژی کشور وجود دارد. فهرستی از مهم‌ترین چالش‌هایی که برشمرده می‌شود، عبارتند از: فقدان مدیریت یکپارچه، بالابودن شاخص شدت انرژی، نظام قیمت‌گذاری دستوری حامل‌های انرژی، سرمایه‌بری گسترده و محدودیت‌های تأمین مالی، ضعف ارتباطات و مراودات بین‌المللی، فناوری و راندمان پایین در بخش تولید و توزیع منابع هیدروکربنی و بخش برق، خصوصی‌سازی ناقص و واگذاری‌های غیراصولی انجام‌شده، نقش گسترده دولت در تصدی‌گری و حضور غیرمؤثر و ناکارآمد آن در حوزه سیاست‌گذاری و نظارت، توانمندی پایین پیمانکاران و سازندگان داخلی در مقایسه با شرکت‌های بین‌المللی و کمبود منابع انسانی کارآزموده و با مهارت و... به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات و معضلات متعددی که درحال حاضر در بخش پالایشگاهی و پتروشیمی و همین‌طور نیروگاهی کشور با آن دست به گریبان هستیم، ریشه در یک موضوع مشترک داشته باشند و آن نیز شکل‌گرفتن کامل بازار انرژی و حاکم‌نشدن قواعد بازار به صورت طبیعی در این بخش است. در حقیقت تا فعال‌شدن و به‌کارنیفتادن مکانیسم‌های طبیعی بازار در کشور و به‌ویژه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی که سرمایه‌بری زیادی دارد و سرمایه‌گذار برای فعالیت در آنها نیازمند محیطی شفاف، بایاث و رقابتی است، نمی‌توان توقع داشت با صدور دستور یا درخواست‌های خارج از طبیعت و منطق بازار، صنایع انرژی کشور به جایگاه و موقعیت مناسب هدایت شود.

درحال حاضر، دستگاه‌های اجرایی دولت در تدوین برنامه ششم توسعه، مانند برنامه‌های گذشته تلاش وفاری برای تنظیم و استخراج اهداف کمی می‌کنند. هر چند تدوین اهداف کمی به صورت واقع‌بینانه یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه است، اما باید توجه کرد وضعیت و جایگاه امروز بخش انرژی کشور بیش از آنکه ناشی از نبود اهداف کمی در برنامه‌های گذشته بوده باشد، ناشی از مهیانبودن زیرساخت‌های ثَم‌موردنیاز اجرای برنامه، ازجمله سازوکار مناسب اجرایی برای پیشبرد این اهداف است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود در مواد قانونی برنامه ششم توسعه که درحال حاضر در دست نگارش است، حکمی درباره ایجاد، گسترش و تعمیق بازار انرژی در کشور تدوین و تصویب شود. در حقیقت می‌توان انتظار داشت با حاکم‌شدن مکانیسم بازار در بخش انرژی و برقراری شفافیت و فضای رقابتی و حذف رانت‌های گسترده، هر بنگاه و شرکت بتواند براساس انگیزه‌های اقتصادی خود به سمت حداکثرکردن ارزش افزوده فعالیت‌های بخش خود اقدام کند. این امر ضمن اینکه به توسعه توانمندی‌ها و قابلیت‌های این شرکت‌ها خواهد افزود و به‌تبع آن اشتغال و رشد اقتصادی پایدار را به دنبال خواهد داشت، به بارورشدن صنعت فربه و پرچالش انرژی در کشور نیز کمک مؤثر و شایانی خواهد کرد. در این راستا، اقدامات اساسی نهادهای دولتی و حاکمیتی عبارت خواهد بود از: کاهش قوانین متعدد و دست‌وپاگیر و منقح‌کردن آنها، حذف نهادهای سازمان‌های غیرضرور، حذف انحصار و رجحان‌های گروهی، باندي و سیاسی و سلیقه‌ای، متصل‌شدن نظام قیمت‌گذاری خوراک و سوخت و محصولات تولیدی به بازارهای بورس داخلی و بازارهای بین‌المللی، اطلاع‌رسانی شفاف و به‌روز از آمارهای موردنیاز بخش خصوصی، سهولت در مبادلات تجاری (واردات-صادرات) و...

دراین‌باره، بی‌ارتباط نیست اگر نگاهی به وضعیت محیط کسب‌وکار ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان داشته باشیم. محیط کسب‌وکار نامناسب، هزینه بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و باعث زدست‌رفتن انگیزه سرمایه‌گذاران می‌شود. براساس برآورد سازمان‌های بین‌المللی، رتبه ایران در سال ۲۰۱۶ در شاخص سهولت فضای کسب‌وکار از میان ۱۸۹ کشور، ۱۱۸ اعلام شده است. این در حالی است که ۱۰ کشور از میان کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وضعیت بهتری از ایران در این شاخص دارند و تنها کشورهای لبنان (۱۲۳)، فلسطین اشغالی (۱۲۹)، مصر (۱۳۱)، عراق (۱۶۱)، الجزایر (۱۶۳)، یمن (۱۷۰)، جیبوتی (۱۷۱)، سوریه (۱۷۵) و لیبی (۱۸۸) در وضعیت نامناسب‌تری نسبت به ایران در این منطقه قرار دارند که در اغلب آنها شرایط جنگی و اضطراری وجود دارد. این در حالی است که مکررا اعلام می‌شود ایران سرزمینی امن و بایاث و منطقه و جهان بوده و برای سرمایه‌گذاری بسیار مناسب است. البته که برخورداری از امنیت، شرط بسیار مهم و لازم برای ورود سرمایه به کشور است اما این شرط کافی نیست. برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در کشور باید محیط کسب‌وکار را نیز ارتقا بخشید، بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده، پیشنهاد می‌شود حکم قانونی جهت نهادینه‌شدن مکانیسم‌های بازار در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی در برنامه ششم توسعه تنظیم و تصویب شود که با اجرایی‌شدن آن فضای کسب‌وکار در صنعت انرژی کشور به‌طور چشمگیری بهبود پیدا کند. این مهم باید دربردارنده کاهش تعداد مراحل، زمان و هزینه‌های موردنیاز برای سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی و تجاری و صنعتی در این بخش باشد.